

جرم سیاسی و بررسی تطبیقی آن با حقوق جزای اسلامی

آیت اله یزدانی^{۱*}

امید دوست بین^۲

راضیه قاسمی کهریزسنگی^۳

چکیده

جرم سیاسی یکی از مفاهیمی است که بسته به نظام حقوقی و سنت‌های اجتماعی هر کشور می‌تواند تعاریف متفاوتی داشته باشد. از یک دیدگاه، ممکن است جرم سیاسی اصلاً تعریف مشخصی نداشته باشد، در حالی که از دیدگاه دیگر، می‌تواند دارای تعاریف معین و مشخصی باشد که توسط قانون‌گذار تعیین می‌شود. در برخی موارد، جرم سیاسی ممکن است به تصمیم حکومت به عنوان جرمی علیه امنیت ملی تلقی شود و مجرم آن به عنوان مجرم امنیتی شناخته شود. به عنوان مثال، جرم بغی در حقوق اسلامی در ایران به عنوان جرم امنیتی دسته‌بندی می‌شود، اما با توجه به ماهیت این جرم، می‌توان آن را در چارچوب اسلام به عنوان جرم سیاسی نیز در نظر گرفت. با توجه به این موضوع، تحقیق حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای به مطالعه تطبیقی جرم سیاسی در حقوق کیفری ایران و حقوق جزای اسلامی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فقه اسلامی، که اساس وضع قوانین در ایران است، جرم بغی را به عنوان جرم سیاسی می‌شناسد و در شریعت اسلام به این نوع جرم توجه خاصی شده است. شاید به همین دلیل است که در نظام جمهوری اسلامی ایران، قوانین مستقلی برای جرم سیاسی به طور جداگانه از قوانین مربوط به حدود، قصاص و دیات تدوین نشده است. بنابراین، قانون‌گذار مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی را به عنوان جرائم حدی تلقی کرده و بر اساس بند ۱ ماده ۳ قانون جرم سیاسی، جرائمی که مستوجب حدود، قصاص و دیات هستند، جزء جرائم سیاسی محسوب نمی‌شوند.

کلیدواژه‌گان: جرم، جرم سیاسی، جرائم امنیتی، بغی، حقوق ایران، فقه

۱. کارشناسی ارشد حقوق، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، میمه، ایران

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مقدمه

اصطلاح «جرم سیاسی» در قرن نوزدهم میلادی وارد سیستم‌های حقوق کیفری شد و منجر به تغییر در نحوه برخورد با مجرمان سیاسی گردید. این تغییر رویکرد باعث شد تا امتیازات خاصی تحت عنوان «رژیم ارفاقی» به این دسته از مجرمان اعطا شود. اما به دلیل نارسایی در تعریف جامع و مانع جرم سیاسی در سطح بین‌المللی، با گذشت حدود یک قرن، محدوده این جرم به منظور جلوگیری از سوءاستفاده مجرمان حرفه‌ای کاهش یافت. به طوری که جرایمی مانند جاسوسی، خیانت به کشور، و تروریسم از مزایای مرتبط با جرم سیاسی محروم گردیدند. جرم سیاسی به هرگونه رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی یا ایجاد اختلال در مدیریت سیاسی و ضربه زدن به حاکمیت کشور باشد. این نوع جرم ممکن است به تنهایی یا در کنار جرایم عمومی، اجتماعی، و امنیتی مرتکب شود. در فقه اسلامی، اصطلاح جرم سیاسی یا بغی به عملی اشاره دارد که در آن گروهی از مسلمانان با داشتن تشکیلات قوی و به دلیل شبهات بی‌اساس، از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین خارج می‌شوند و به صورت عمدی اقداماتی انجام می‌دهند. این اقدامات ممکن است از طریق فساد فی‌الارض، محاربه، جاسوسی برای دولت‌های خارجی، جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی، یا سایر روش‌ها صورت گیرد. از دیدگاه آثار جرم سیاسی، می‌توان گفت که تغییر در نحوه برخورد با مجرمان سیاسی و اعمال مجازات‌های ملایم‌تر برای آن‌ها، به عنوان نتیجه‌ای از تحول در نگرش جامعه و قانون‌گذار از اوایل قرن نوزدهم میلادی، به ایجاد یک نظام ارفاقی ویژه برای این مجرمان منجر شد. با تصویب قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵، بخشی از ابهامات تقنینی در این زمینه برطرف شده است. هرچند این قانون در ابتدا به عنوان گامی رو به جلو در جهت شناسایی حقوق مجرمان سیاسی در نظام کیفری ایران به شمار می‌رود، اما از لحاظ ماهوی و شکلی با چالش‌های جدی مواجه است. از جمله این چالش‌ها، نقض اصل کیفیت قانون و استفاده از عبارات مبهم است. همچنین، ارجاع دادرسی این جرایم به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بدون تصریح به تضمینات دادرسی ارفاقی، مشکلاتی اضافی ایجاد کرده که ممکن است حقوق متهم یا مجرم سیاسی را به خطر اندازد.

زندیان (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "بررسی جرم سیاسی در ایران با تأکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵" انجام داد. در حقوق ایران، به دلیل عدم وجود قانونی اختصاصی و متناسب برای جرم سیاسی، تا سال ۱۳۹۵، مجرمان سیاسی عمدتاً تحت قوانین عمومی مجازات اسلامی مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند. این وضعیت منجر به عدم شفافیت در برخورد با این دسته از جرایم شده بود. در نهایت، در سال ۱۳۹۵، قانونی تحت عنوان "قانون جرم سیاسی" به تصویب رسید که چارچوبی خاص برای رسیدگی به جرایم سیاسی فراهم کرد. این قانون به دستگاه قضایی امکان می‌دهد که بر اساس مقررات ویژه‌ای که برای جرم سیاسی تعیین شده است، دادرسی و صدور حکم را انجام دهد. از این طریق، دستگاه قضایی از اتکا به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی برای برخورد با جرایم سیاسی بی‌نیاز شده و می‌تواند با توجه به ویژگی‌های خاص این نوع جرایم، رویکردی متناسب‌تر اتخاذ کند. این قانون همچنین تأکیدی بر شفافیت و عدالت در فرآیند دادرسی مجرمان سیاسی دارد و تلاش می‌کند تا از تفسیرهای سلیقه‌ای و ناهماهنگی در برخورد با این جرایم جلوگیری کند. بررسی این قانون و تأثیر آن بر حقوق کیفری ایران، موضوع پژوهش زندیان بوده و به تبیین نقاط قوت و ضعف این قانون پرداخته است.

رحمانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه‌ی تطبیقی تحول مفهوم جرم سیاسی در حقوق ایران و غرب" به بررسی این موضوع پرداخته است. از دیدگاه نویسنده، تحول مفهوم جرم سیاسی در حقوق ایران بر اساس اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه، در سه دوره‌ی مختلف از حیات سیاسی ایران، یعنی از زمان انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، قابل تحلیل است. در دوره‌ی اول، که مصادف با دوران طلایی ارائه امتیازات به

مجرمان سیاسی در حقوق غربی بود، در ایران هنوز مفهوم جرم سیاسی به رسمیت شناخته نشده بود. در دوره‌ی دوم، یعنی دوران حکومت محمدرضا پهلوی، که هم‌زمان با دورانی بود که نظام‌های حقوقی اروپایی به آخرین مراحل تحول در مفهوم جرم سیاسی و تردید در معناداری تفکیک میان جرم سیاسی و غیرسیاسی نزدیک می‌شدند، مفهوم جرم سیاسی در ایران به مراتب معنادارتر و ملموس‌تر از گذشته شده بود. در نهایت، تلاش‌های صورت گرفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تنظیم مقررات مربوط به جرم سیاسی در نظام کیفری ایران، به تصویب قانون جرم سیاسی در اردیبهشت ۱۳۹۵ منجر شد. این تلاش‌ها در زمانی صورت گرفت که نظام‌های حقوقی غربی عمدتاً از تفکیک و تمایز بین جرم سیاسی و جرم عمومی عبور کرده و این تمایز را از منظر حقوقی کم‌اهمیت یا حتی بی‌معنا تلقی کرده بودند. این پژوهش تحولات تاریخی و حقوقی را که به تصویب این قانون در ایران انجامیده، با دقت مورد بررسی قرار می‌دهد و تفاوت‌های اساسی میان رویکردهای حقوقی ایران و غرب را در زمینه‌ی جرم سیاسی نشان می‌دهد.

مرجع رسیدگی کننده به جرائم سیاسی

پیش از تصویب قانون جرم سیاسی، مسئله رسیدگی به اتهام‌های با ماهیت سیاسی به طور جدی مورد توجه حقوقدانان قرار داشت. با این حال، به دلیل عدم ارائه تعریف مشخص از جرم سیاسی و عدم تعیین مصادیق آن، این پرونده‌ها معمولاً در دادگاه‌های انقلاب مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند و مرجع رسیدگی اختصاصی برای آن‌ها وجود نداشت. اما پس از تصویب قانون جرم سیاسی، تغییراتی در روند رسیدگی به این قبیل جرائم ایجاد شد. قانون جدید به وضوح به شیوه رسیدگی به جرائم سیاسی، حقوق متهمان سیاسی و دادگاه‌های صالح برای رسیدگی به این پرونده‌ها پرداخته است. طبق مواد ۴ و ۵ این قانون، نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیئت منصفه باید مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ باشد. علاوه بر این، ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مشخص کرده است که رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید با رعایت ماده ۳۵۲ این قانون، به صورت علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم و با حضور هیئت منصفه انجام شود. این تغییرات به ایجاد شفافیت بیشتر و رعایت اصول قانونی در رسیدگی به جرائم سیاسی کمک کرده و به بهبود حقوق متهمان سیاسی منجر شده است.

مرجع تشخیص سیاسی بودن اتهام

یکی از نکات جالب توجه در قانون جرائم سیاسی، اعتراض متهم به صلاحیت دادگاه است. موضوعی که بیشتر در دادرسی مدنی دیده می‌شود و در دادرسی کیفری قابل اجرا است، دادسرا مرجع صالح برای ارجاع پرونده را تعیین می‌کند. در این خصوص ماده ۵ قانون جرائم سیاسی مقرر می‌دارد: در مورد موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد» در صورت بروز اختلاف بین دادسرا و دادگاه نسبت به وصف جرم و ماهیت سیاسی آن، به نظر می‌رسد طبق قانون. در آیین دادرسی کیفری رای دادگاه الزامی نیست به همین دلیل ماده ۵ قانون جرائم سیاسی مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی به غیر سیاسی بودن اتهام خود اعتراض کند. مرجع رسیدگی کننده طی قراری در این خصوص اظهارنظر خواهد کرد. نحوه صدور و اعتراض به این قرار مشمول مقررات قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد. این سازوکار ممکن است تا حدودی صحیح باشد اما کامل نیست زیرا اگر دادسرا یا دادگاه در تشخیص خود اشتباه کند و عمل مجرمانه تحت مفهوم امنیت تلقی شود باید تحت عنوان دستور به متهم اطلاع دهد. و این سفارش در مرحله قابل اعتراض است، بهتر است در حال حاضر چنین امکانی وجود نداشته باشد. متهم باید حق اعتراض داشته باشد زیرا قاضی تعقیب یا تحقیق ممکن است اشتباه کند. بر اساس ماده ۵ قانون جرائم سیاسی و در راستای حمایت قانونی از متهمان سیاسی، دو نوع حق قانونی برای متهمان سیاسی در نظر گرفته شده است که در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا و یا در مرحله محاکمه در دادگاه پیش بینی شده

است. بر اساس این ماده اولاً متهمان سیاسی این امتیاز قانونی را دارند که نسبت به تشخیص مرجع قضایی در خصوص غیر سیاسی بودن اتهام (حق اعتراض به غیر سیاسی بودن اتهام) اعتراض کنند. و همچنین در صورت رد اعتراض، حق اعتراض به رد اعتراض را دارند. با توجه به حق اعتراض متهم به تشخیص غیر سیاسی بودن اتهام موضوع ماده ۵، متهم سیاسی در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا در کلیه مراحل تحقیقات این حق را دارد که تا زمانی که پرونده اتهام سیاسی در دادسرا موجود است، در صورتی که مراجع قضایی دادسرا پس از انجام تحقیقات، بازپرس اتهام را غیرسیاسی (مانند تامینی) تشخیص داده، به نظر و تشخیص دادسرا و بر ماهیت سیاسی اتهام تأکید و اصرار دارند. همچنین در صورتی که دادسرا اتهام متهم را سیاسی تشخیص دهد و با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه ارسال کند اما قاضی دادگاه در تحقیقات نهایی اتهام متهم را غیر سیاسی تشخیص دهد، متهم او همچنان می‌تواند «تا پایان اولین جلسه دادگاه» به غیر سیاسی بودن تصمیم قاضی اعتراض کرد (حاجیانی و همکاران، پیشین: ۶۳). در بخشنامه اخیر قوه قضائیه به شماره ۱۳۹۹/۳/۷، تأکید ویژه‌ای بر اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی صورت گرفته است. این بخشنامه تصریح می‌کند که با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرایم سیاسی باید با رعایت اصول مقرر و به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه انجام شود. بر این اساس، دادگاه‌های رسیدگی به این نوع جرایم باید مطابق با مقررات مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مطبوعات عمل کنند. طبق این بخشنامه، مسئولیت تشخیص ماهیت سیاسی اتهام به دادسرا یا دادگاهی که پرونده در آن مطرح است، واگذار شده است. در این راستا، دادسرا یا دادگاه باید با در نظر گرفتن ماهیت جرم، انگیزه و قصد متهم از ارتکاب جرم، تشخیص دهد که آیا جرم مورد نظر جزو جرایم سیاسی است یا خیر. در مواردی که پرونده در دادگاه کیفری ۲ یا دادگاه انقلاب بررسی می‌شود و دادگاه با بررسی کیفرخواست و مستندات و مطالعه پرونده به این نتیجه برسد که جرم ارتكابی از جرایم مندرج در ماده ۲ قانون جرم سیاسی است، موظف است پرونده را به دادگاه کیفری ۱ مرکز استان محل وقوع جرم ارسال کند. در صورتی که متهم از مقامات مذکور در ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری باشد، پرونده به دادگاه کیفری ۱ استان تهران ارجاع می‌شود. همچنین، در مرحله تجدید نظر، اگر دادگاه بدوی جرم ارتكابی را غیرسیاسی تشخیص دهد، اما دادگاه تجدید نظر به این نتیجه برسد که جرم سیاسی است، باید با نقض حکم صادره، پرونده را به مرجع صالح ارسال کند تا مراحل قانونی رعایت شود. این اقدام به منظور حفظ حقوق متهمان و اجرای دقیق قانون در خصوص جرایم سیاسی انجام می‌شود و به شفافیت و عدالت در رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها کمک می‌کند.

حضور هیات منصفه در دادرسی

حضور هیئت منصفه در محاکمه‌های مربوط به جرایم سیاسی به معنای بهره‌برداری از نظرات و وجدان عمومی برای ارزیابی تأثیرات عمل متهم در جامعه است. از آنجا که در جرایم سیاسی، آسیب مستقیم متوجه رژیم حاکم است، برای رسیدن به قضاوتی بی‌طرف و بدون تأثیر از قدرت حاکم، نیاز است که از دیدگاه عمومی جامعه استفاده شود. هیئت منصفه به عنوان نهاد نماینده افکار عمومی، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند و برخی آن را به عنوان ضامن آزادی سیاسی می‌شناسند. به این ترتیب، یکی از مزایای رسیدگی به جرایم سیاسی، مشارکت هیئت منصفه در تصمیم‌گیری درباره گناهکاری یا بی‌گناهی متهم است. این هیئت باید از اقشار مختلف جامعه تشکیل شود تا به درستی نمایانگر افکار عمومی باشد. طبق ماده ۳۶ قانون اصلاح قانون مطبوعات، هیئت منصفه در تهران شامل ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها شامل ۱۴ نفر از افراد معتبر عمومی است که از میان گروه‌های مختلف اجتماعی انتخاب می‌شوند. (رشیدی، خادمی، پیشین: ۱۴۱).

امتیازات خاص مجرمان سیاسی

ماده ۶ امتیازاتی که مجرمان سیاسی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند را مشخص کرده است که شامل موارد زیر است:

الف) مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی؛

ب) ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس؛

پ) ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم.

ت) غیر قابل استرداد بودن مجرمان سیاسی.

ث) ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضایی بیم‌تباری.

بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند، لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد.

ج) حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس.

چ) حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس (همان: ۱۴۳)

از مجموع حقوق و امتیازاتی که در قانون جرم سیاسی و سایر قوانین کیفری برای متهمان و محکومان سیاسی در نظر گرفته شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که مقنن ایرانی رویکردی ملایم نسبت به این دسته از متهمان اتخاذ کرده است. این رویکرد ملایم به تأثیرات نظریه‌های موجود در حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی مرتبط است. قانونگذار با توجه به ویژگی‌های خاص بزه‌کاران سیاسی، از جمله انگیزه‌های اصلاح‌طلبانه و خیرخواهانه آنها، تمایز قائل شده و در ماده ۶ قانون جرم سیاسی به وضوح حقوق ارفاقی را برای این دسته از بزه‌کاران پیش‌بینی کرده است.

این approach به خوبی اصل تفرید کیفری را اجرا می‌کند و گام‌هایی در راستای عدالت بر می‌دارد. اصل تفرید کیفری به معنای در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی مجرم در هنگام صدور حکم و اجرای مجازات است. به ویژه در جرایم سیاسی، نباید مجرم بدون در نظر گرفتن شخصیت و انگیزه‌های وی، به مجازاتی شدیدتر از آنچه که مستحق است، محکوم گردد. در این زمینه، جنبه‌های اصلاحی و درمانی مجازات برای مرتکبان جرایم سیاسی، به طور خاص و با توجه به تفاوت‌های آن‌ها با جرایم عمومی، لحاظ شده است. زیرا بر خلاف مجرمان جرایم عمومی، مجرمان سیاسی معمولاً مجرمانی آرمان‌گرا هستند که خواهان اصلاح امور سیاسی هستند. بنابراین یکی از مهم‌ترین مخاطرات برای مجرمان سیاسی، گنجاندن این دسته از مجرمان در زمره مجرمان امنیتی است، مجازات آن‌ها را افزایش می‌دهد.

انواع مجازات جرم سیاسی

گفتار اول: اعدام

در بسیاری از کشورها، اعدام به‌طور کلی از فهرست مجازات‌ها برای جرایم سیاسی حذف شده است. اگرچه در برخی کشورها اعدام به‌طور کلی ممنوع است، اما برای بسیاری از کشورها اولین گام‌های موثر در جهت لغو این مجازات‌ها با تمرکز بر جرایم سیاسی برداشته شده است. هرچند در مورد بسیاری از جرایم مرکب و مرتبط که ماهیت صرفاً سیاسی ندارند، ممکن است مجازات‌های سختی مانند اعدام همچنان اعمال شود، جرایم سیاسی محض از این قاعده مستثنی شده‌اند. این تغییر رویکرد به دلیل جنبه حمایتی قانون‌گذار از مجرمان سیاسی است. به عبارت دیگر، جرم سیاسی از دیگر جرایم به دلیل ویژگی‌های خاص خود و امتیازاتی که قانون برای آن قائل شده است، متمایز است. در نظام‌های حقوقی که به حمایت از حقوق سیاسی توجه دارند، مجرمان سیاسی در مقایسه با دیگر بزه‌کاران، از نظر قانونی از امتیازات خاصی برخوردارند. به همین دلیل، اعدام مجرمان سیاسی، که به‌طور خاص از حمایت‌های قانونی بهره‌مند هستند، با منطقی و اصول حقوقی سازگاری ندارد. اعدام به‌عنوان شدیدترین نوع

مجازات، که به نابودی و نیستی فرد منجر می‌شود، با فلسفه حقوقی که بر پایه حمایت و اصلاح مجرمان سیاسی استوار است، در تضاد است. در این راستا، مجازات‌های جایگزین، مانند حبس‌های طولانی مدت یا مجازات‌های دیگر، به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته و به‌جای اعدام، انتخاب می‌شوند.

گفتار دوم: مجازات بدنی

این‌گونه مجازات‌ها شامل مجازات‌های مربوط به بدن مجرم است. برخلاف مجازات اعدام که مربوط به زندگی اوست، به عبارت دیگر در مجازات‌های بدنی، بر خلاف اعدام، مجازات جرم منوط به قتل او نیست، بلکه شامل آزار و اذیت بدنی او نیز می‌شود. البته ممکن است اشکال داشته باشد که به‌طور کلی اعدام نیز در زمره مجازات‌های بدنی قرار می‌گیرد، اما از آنجایی که ابتدا در تاپیک جداگانه‌ای اعمال مجازات اعدام را بیان کردیم و با توجه به اینکه با وجود چنین نظامی در کیفر مخالف بودیم. نظام جرم سیاسی، چنین مشکلی پیش نخواهد آمد. تنبیه بدنی اغلب شامل قطع عضو، شلاق و موارد دیگری است که باعث آسیب جدی به بدن افراد می‌شود.

مجازات‌های سلب آزادی یا محدود کننده آن

اکثر مجازات‌های جرایم سیاسی بر اساس بند مجازات‌های قانون مجازات اسلامی و قانون جرایم سیاسی، سلب آزادی یا تحدید آن است. قانونگذاران ایرانی ممکن است در مورد چنین مجرمانی از این حربه استفاده کنند. کوتاه ظاهر می‌شود تفاوت این دو در این است که در نوع اول مجرم عموماً آزادی خود را از دست می‌دهد اما در نوع دوم این آزادی محدود است. به عبارت دیگر، منفی آزادی و محدود کننده آزادی است. بارزترین مصداق مجازات سلب آزادی، حبس است که مجرم دوران محکومیت خود را در منطقه کوچکی مثلاً (زندان) می‌گذراند، اما در مجازاتی که آزادی را محدود می‌کند، مانند تبعید، فرد در یک منطقه زندانی نمی‌شود. محیط کوچکی است، اما از جامعه بومی خود طرد شده و مجبور می‌شود ترک محل سکونت و اجبار او به زندگی در مکانی دیگر آزادی او را سلب می‌کند.

تحلیل حقوقی ماده چهارم قانون جرم سیاسی

نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت منصفه مطابق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲ است و استناد یا استناد یک قانون به مواد یک قانون یا همان قانون است رایج در عرف قانونگذاران ایرانی. ارجاع به ارجاع موضوع به یک یا چند ماده از همان قانون یا قوانین و مقررات دیگر برای جلوگیری از تکرار یا روشن شدن ارتباط منطقی مقررات و رفع هرگونه ابهام احتمالی به عنوان دلیل استفاده از ارجاع و ارجاع در قانون گذاری اطلاق می‌شود. بیان شده است. اما نباید از این نکته غافل شد که ارجاع دارای قواعد و اصولی است که در صورت عدم رعایت آن موجب افزایش ابهام مواد قانونی می‌شود. علاوه بر این، لزوم انطباق دو موضوع و حکم برای ارتباط منطقی آن‌ها ضروری است. متأسفانه در برخی از قوانین و مقررات مربوط به این اصول توجه نشده و نتیجه آن افزایش ابهام است. در قانون جرایم سیاسی از ماده ۱ تا ماده ۶ مکرراً با مواردی از ارجاع و ارجاعات مواجه هستیم. سایر قوانین یا مواد قانون جرایم سیاسی و برخی از این ارجاعات و ارجاعات خلاف اصول است. همانطور که در مورد انتقال ماده ۱ به ماده ۲، اعتراض انتقال به باطل مطرح شد، در مورد سایر اشارات نیز ایرادات و ابهاماتی بیان شد. در ماده ۴ ق.ج.س نیز قانونگذار مبادرت به ارجاع و احاله نموده است که انتقاد و ایراد مترتب بر احاله مقرر در ماده ۴ در سطور آتی ذکر احاله اقسام آن را به شش گروه تقسیم نموده اند که مورد اشاره قرار می‌شود.

۲- احاله کلی و جزئی.

۳- احاله صریح و ضمنی.

۴- احاله عمودی و احاله عرضی

۵- احاله درجه یک و احاله درجه دو.

۶- احاله حکم و احاله موضوع.

در قانون جرایم سیاسی ارجاع داخلی و خارجی، ارجاع درجه یک و درجه دو و ارجاع کلی و جزئی حسب مورد در مواد مختلف قابل اعمال و بررسی است. قانونگذار در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت منصفه را به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۱ ارجاع داده است و از نظر شکل و محتوای ارجاع و ارجاع مقرر در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایراداتی دارد. و این طرز نوشتن قوانین قابل نقد است.

تحلیل حقوقی ماده پنجم قانون جرم سیاسی

طبق ماده ۵ قانون جرایم سیاسی تشخیص سیاسی بودن اتهام بر عهده دادرسی یا دادگاهی است که در آن رسیدگی می‌شود. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادرسی تا پایان اولین جلسه در دادگاه به سیاسی بودن اتهام اعتراض کند. او در یک قرار در این مورد اظهار نظر می‌کند. نحوه صدور و اعتراض به این قرار مشمول مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد. ماده ۵ ق.ج. حق اعتراض به اتهام از سوی متهم تشریح شده است و در این خصوص در ماده ۵ مقرر شده است: اعتراض به سیاسی بودن اتهام وی باشد. اتهامات و جرایم سیاسی صرف نظر از انگیزه شرافتمندانه و محبوبیت اجتماعی قابل انتساب به افراد است، طبق ماده (۶) قانون مزایا و امتیازات فراوانی دارد و بدیهی است در رویه با توجه به امتیازات و جنبه دوستانه داخلی و مقررات خارجی نسبت به متهم یا مجرم سیاسی، اعتراض به سیاسی بودن اتهام دلیل تأمل است و اعتراض به ماهیت سیاسی بر این فرض است که متهم مدعی است فعل یا اعمال ارتكابی فاقد آن است. شخصیت سیاسی اگر چنین باشد بی ثمر است و اگر مقصود قانونگذار این باشد که متهم به اتهام خود متهم می‌شود که اتهام سیاسی از نحوه نگارش اصطلاحات و کلمات مفید این ماده نیست و توجه این موضوع نیاز به بازنگری و بازنگری در کلمات دارد. در طرح مصوب سال ۱۳۸۷ شورای اسلامی در ماده ۶ ذیل فصل دوم آن با استفاده از واژه‌های «سیاسی» و «غیرسیاسی» به صورت دقیق تری به این موضوع توجه شده است. در ماده ۶ طرح مذکور مقرر شده بود: «تشخیص سیاسی یا غیرسیاسی بودن جرم با دادگاهی است که پرونده به آن ارجاع شده است. تبصره: در صورتی که متهم یا وکیل به تصمیم دادگاه اعتراض داشته باشد. ادعا می‌کند که اتهام مربوط به جرایم سیاسی است، این اعتراض خارج از نوبت با حضور هیأت منصفه در همان دادگاه رسیدگی می‌شود و در صورتی که نظر هیأت منصفه باشد در صورت سیاسی بودن اتهام، دادگاه به نظر دادگاه احترام می‌گذارد. ماده ۶ مصوبه ۱۳۸۰ مجلس در مورد استفاده از ایرادات به اتهامات ذکر شده است، اما انصراف موضوع به دادگاه "الزام آور نبودن تعقیب" و تعیین موضوع توسط دادگاه از جمله موارد آن است. ایرادات مجلس، فقط سعی کردند طرح ۶ ماده‌ای خود را در مجلس نهم تصویب کنند.

تحلیل حقوقی ماده ششم قانون جرم سیاسی

بر اساس ماده ۶ قانون جرم سیاسی، موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرایم سیاسی اعمال می‌گردد:

الف- مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی.

ب- ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول بازداشت و حبس.

پ- ممنوعیت اجرای مقررات ناظر بر تکرار جرم.

ت- غیر قابل استرداد بودن مجرمان سیاسی.

ث- ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضایی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات

ضروری بداند، لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد.

ج- حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس.

چ- حق دسترسی به کتب نشریات رادیو و تلویزیون در طول مدت

در این ماده قانونگذار تحت تأثیر اصول و قواعد بین‌المللی و داخلی، امتیازات و مزایایی را برای مجرمان و متهمان سیاسی در مدت

بازداشت و محکومیت آن‌ها در قالب ۷ بند تصویب کرده است که برخی از این امتیازات و امتیازات از حقوق طبیعی و مسلم است. از همه شهروندان

اختصاص به مجرمان یا متهمان سیاسی ندارد، بلکه مجرمان یا متهمان عادی نیز از آن‌ها بهره می‌برند و مقررات مربوط به سازمان زندان‌ها نیز مورد

توجه قرار گرفته است و ممنوعیت سلول انفرادی یکی از آنهاست. مزایای اخیر منحصر به مجرمان سیاسی نیست، بلکه سایر مجرمان نیز از این مزایا

برخوردارند. به نظر می‌رسد در نحوه نگارش قانون از سوی قانونگذار مشکل وجود دارد، زیرا قانونگذار در انحصار و تبیین امتیازات و جوانب

دوستی قرار دارد. نسبت به مجرمان سیاسی و ذکر حقوق مشترک با مجرمین عادی خلاف روح قانون و اصول قانونگذاری است. اصطلاحات و

الفاظ تهدید به تبانی و لزوم تکمیل تحقیقات» در بند «ج» قابل توسعه و تفسیر است و از جمله واژه‌هایی است که ممکن است تعابیر متعددی داشته

باشد و این تفاسیر و تفاسیر سلیقه‌ای ناقض است. حقوق مجرم یا متهم سیاسی از این منظر، تبیین مفاهیم مذکور در خور شأن قانونگذار است. و حق

ملاقات با وکیل و مشاوره حقوقی مجرم در مدت ذکر نشده است در حالی که ملاقات با وکیل می‌تواند ابزار دفاعی موثری باشد. در مورد منفعت

مجرمان و متهمان سیاسی در مدت حبس و بازداشت تحت بندهای ج و ج که فقط از کلمه استفاده شده است، در حالی که غالباً کلمه حبس به

عنوان مجازات معینی در سند درج شده است و ممکن است بازداشت موقتاً در سند باشد. صدور قرار تأمین و بازداشت موقت یکی از قرارهای

تأمینی است و ممکن است متهم به دلیل عدم ارائه کفیل یا عدم تودیع وثیقه بازداشت شود. بند ج و ج مدت بازداشت (مشروط به قرار)، حق ملاقات

و حق دسترسی به کتب و نشریات را نمی‌توان به عنوان امتیاز دوستی بین مجرم و متهم سیاسی استفاده کرد. و متهمان سیاسی می‌شوند که با روح

قانون سازگاری ندارد و اصلاح این موضوع بر قانونگذار ایران واجب و ضروری است. حق دسترسی به کتب و نشریات رادیویی و تلویزیونی در

دوران حبس به طور مطلق مشخص شده است و این اصطلاح مفید رایج و عام است و با توجه به اطلاعات قسمت کتب و نشریات محدود به خاصی

نیست. نوع یا شماره اگرچه در رویه عملی فقط یک نوع مجلات و کتاب که نظر و عقیده امروزی است در اختیار مجرم سیاسی است و عملکرد

مسئولین اجرایی زندان باید مطابق با اطلاعات قانونی باشد. شبکه‌های آن عموماً در فضای مجازی بی صدا هستند و بعید به نظر می‌رسد در مقام بیان

از قاعده سکوت استفاده کرده باشند. زیرا شرایط کاربرد و مقدمات آن فراهم نیست.^۱

موضع قانون جرم سیاسی در تشخیص جرائم سیاسی

^۱ .رفسنجانی مقدم، حسین و حسن پور، معصومه (۱۳۹۵) ترمینولوژی تنقیح قوانین، تهران، موسسه فرهنگی بهینه.

جرم سیاسی از جمله جرایمی است که علاوه بر دشواری در ارائه تعریف جامع و موانع، ارائه تعریف ساده برای حل مشکل اجرای قوانین کافی نیست. «(رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۶). این امر مستلزم ارائه روش‌ها و معیارهایی برای تمایز آن از جرایم عمومی است که البته تعاریف جرایم سیاسی نیز بر اساس این معیارها است. از سوی دیگر، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، عدم مرزبندی مشخص بین جرایم امنیتی و جرایم سیاسی و غلبه تقنینی و تفسیری این طیف به نفع جرایم امنیتی، اهمیت ارائه روش قانونی یا قانونی را نشان می‌دهد. ضوابط و مقرراتی در این خصوص و در واقع صرفاً ارائه تعریف جرم سیاسی، اجرای مقررات مربوط به مجرمان سیاسی را در نظام قضایی کشورمان بعید می‌سازد. تشخیص جرایم سیاسی از جرایم عمومی آسان نیست مگر اینکه قوانین مربوطه رویه خاصی را پیش‌بینی کرده باشد (پیوندی ۱۳۹۴: ۹۳). به طور کلی دو روش برای تشخیص جرایم سیاسی از سایر جرایم وجود دارد که هر کدام دارای محاسن و معایبی هستند. این دو روش احصاء و حجیله نامیده می‌شود» (محمدی جورکویه، ۱۳۹۲: ۵۰). قانونگذار در روش آماری مصادیق و مصادیق جرایم سیاسی را ذکر می‌کند، این روش بهتر است زیرا کار دادگاه را در تشخیص پرونده‌ها تسهیل می‌کند و مانع از وقوع جرم می‌شود. نقض حقوق مجرمان سیاسی در موارد خاص تا حد زیادی، اما به این دلیل که نمی‌توان همه موارد و موارد را به طور کامل برشمرد (زینلی، ۱۳۷۸: ۳۱)، نمی‌توان میزان واقعی جنایات سیاسی را تعیین کرد. بنابراین، یا باید جرایم سیاسی خاص به صورت محدود و فقط در مواردی که اهمیت آن کم است و یا ظن زیاد به جرایم سیاسی وجود دارد، احصاء شود و یا در صورت احصاء موارد بیشتر، منجر به سوء استفاده برخی از مرتکبین شود. جنایات سیاسی نیستند بنابراین پایبندی به روش دوم یعنی ارائه قاعده در کشف جرایم سیاسی از نظر منطقی و در راستای اجرای عدالت کیفری مطلوبتر است. در این راستا معیارها و دیدگاه‌های متعددی از سوی دکترین برای تشخیص جرایم سیاسی از سایر جرایم ارائه شده است که هر کدام دارای مزایا و معایبی هستند یا بهتر است بگوییم هر کدام در موقعیت و زمینه خاصی مناسب‌تر به نظر می‌رسند. سه معیار / معیار مهم شامل شخصی یا ذهنی، ذهنی یا عینی و مختلط است، اما معیارهای دیگری نیز ارائه شده است که علیرغم شایستگی، جامعیت لازم را ندارند، مانند قواعد افکار عمومی، دادرسی کیفری، ویژگی کیفری و کیفیت جرم متناسب با موضوع تحقیق به مواد (۱، ۲ و ۳) قانون جرایم سیاسی برای تأیید موضع قانونگذار در ارائه ضوابط و معیارهای تشخیص جرم سیاسی حائز اهمیت است. در اهمیت ضوابط و معیارهای اجرای قوانین تبعیض آمیز و در واقع مهمترین دستاورد مورد انتظار از تصویب این قانون است

گفتار اول: چالش در ارائه روش ضابطه

در ماده (۱) قانون جرم سیاسی، قانونگذار تصریح می‌کند که هر یک از جرائم مندرج در ماده (۲) این قانون که با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی و خارجی کشور ارتکاب یابد، در صورتی که مرتکب قصد آسیب زدن به اصل نظام را نداشته باشد، به عنوان جرم سیاسی شناخته می‌شود. این ماده به طور ظاهری به دو ضابطه ذهنی و عینی توجه دارد: انگیزه اصلاح امور کشور و ارتکاب جرم علیه نهادهای سیاسی یا سیاست‌های کشور. همچنین، به طور همزمان، اشاره به جرائم مشخص شده در ماده (۲) نشان می‌دهد که قانونگذار روش احصاء را نیز برای تعیین جرم سیاسی لحاظ کرده است.

با این حال، ترکیب ضابطه‌های ذهنی و عینی با روش احصاء می‌تواند موجب محدودیت در شمول جرائم سیاسی شود. به عبارت دیگر، در حالی که قانونگذار به دنبال دقت در تعیین جرم سیاسی است، پیچیدگی‌ها و محدودیت‌های ناشی از این روش‌ها و ضوابط می‌تواند اثبات جرم سیاسی را برای متهم دشوار کرده و امکان تفسیر محدود آن را برای قاضی فراهم آورد. این مسأله به نوبه خود می‌تواند موجب تضییع حقوق متهم

و نقض اصل شفافیت قانون گردد. به منظور جلوگیری از سوء استفاده و محدودیت‌های ناعادلانه، لازم است که عبارات قانونی به‌طور واضح و شفاف تنظیم شوند تا حقوق و آزادی‌های فردی به‌درستی حفظ شده و از اعمال قدرت به‌نحو نادرست جلوگیری گردد. با توجه به این نیاز، ضرورت دارد که قانون‌گذار در تنظیم قوانین مرتبط با جرم سیاسی، اصول شفافیت و دقت را به‌دقت رعایت کند تا اطمینان حاصل شود که حقوق متهمان به‌خوبی تأمین شده و از تفسیرهای غیرمنصفانه و محدودکننده جلوگیری شود. (حیب زاده، دانش ناری و هژبرالساداتی ۱۳۹۲، ۶۴) و قانون باید بر اصول و قواعدی استوار باشد که امکان سوء استفاده از آن را به حداقل برساند یا به‌طور کامل از میان ببرد (نوربها، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۵). در این راستا، برخی عبارات مبهم در ماده (۱) قانون جرم سیاسی ممکن است ابهاماتی ایجاد کند، از جمله عبارات "انگیزه اصلاح امور کشور"، "مدیریت و نهادهای سیاسی"، "سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور" و "قصد ضربه زدن به اصل نظام".

چالش در ارائه روش احصاء

ماده (۲) قانون جرم سیاسی جرائمی را احصاء کرده که با احراز شرایط ماده (۱)، جرم سیاسی محسوب میشوند، این جرائم عبارتند از:

الف) توهین یا افترا به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای آنان، سالی و مطالعات عربی شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان آن

ب) توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی

پ) جرائم مندرج در بندهای دوه ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیتها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰

ت) جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری ریاست جمهوری مجلس شورایی اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات (ث) نشر اکاذیب.

در این ماده قانونگذار عملاً با احراز شرایط خاص مثبت و منفی ماده ۱، دامنه کامل جرایم سیاسی کشور را ترسیم کرده است. سؤالات زیادی در رابطه با ماده (۲) مطرح است که پاسخ به آن‌ها حکایت از اشکال در ارائه قانون دارد. روش محاسباتی و در نهایت عدم تحقق اهداف قانونگذار از تصویب این قانون و انحراف از مسیر قانون مرجع. سؤالاتی از این قبیل که آیا با چند جرم ساده مانند توهین، تهمت و نشر اکاذیب می‌توان به حقیقت جرایم سیاسی پی برد. در برابر مقامات به صورت حداقلی؟ آیا اصل (۱۶۸) قانون اساسی و خبرگان تدوین کننده آن از گنجاندن این اصل در اوضاع سیاسی-اجتماعی ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی است که به مراتب حساستر از دهه چهارم انقلاب اسلامی است؟ که حاکمیت مبتنی بر مردم سالاری دینی را از بعد داخلی و بین المللی برقرار کرد آیا به این نمونه‌ها توجه کردید؟ سؤالی که اگر پاسخ آن را مثبت بدانیم باید تصویب این اصل را اقدامی بیهوده یا غیرصادقانه بدانیم که قطعاً بیانگر شأن کارشناسان قانون اساسی و جایگاه رفیع و سلسله مراتبی قانون اساسی نیست. میثاق بین ملت و دولت سوال دیگر این است که آیا عاملان واقعی جرایم سیاسی عمدتاً اینگونه هستند؟ (جرائم مصرح ماده (۲) آیا به اجرای مخالفت‌ها و اعمال نفوذ در اصلاح امور و سیاست‌ها متوسل می‌شوند؟ از بررسی‌های مذکور چنین برداشت می‌شود که قانونگذار با تعریف مفهوم جرم سیاسی عملاً وارد محدوده اعمال مباح و حقوق مشروع شهروندان شده و به نوعی جرم انگاری در این حوزه را با عنوان مجرمانه قانونی دانسته

است. این عمل از نظر شرعی و شرعی منع شده است، فقه علاوه بر تشخیص فریضه امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکم و حکومت، فرموده است: «هنگام قیام علیه حاکم به منظور امر به معروف و نهی از منکر، رفتار فتنه گران جایز است و در عنوان شرعی قیام قرار نمی‌گیرد، زیرا عنصر قانونی قیام، قیام بر حاکم عادل است.

اشکال در بیان استثنائات جرم سیاسی

هدف و انگیزه در جرایم سیاسی منفعت شخصی نیست بلکه منفعت عمومی است، برخی از جرایم دارای ویژگی‌هایی هستند که با این هدف و انگیزه همسو نیستند (لینک (۱۳۷۹۹۱) و استثناء برخی از جرایم از شمولیت. جرایم سیاسی بر این اساس در ماده (۳) قانون جرایم سیاسی، استثنائات جرایم سیاسی به شرح زیر بیان شده است: «شرکت فوری معاون و شروع به جرایم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

الف- جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات

ب- سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی

پ- آدم ربایی و گروگان گیری

ت- بمب گذاری و تهدید به آن هواپیماربابی و راهزنی دریایی

ث- سرقت و غارت اموال ایجاد حرق و تخریب عمدی

ج- حمل و نگهداری غیرقانونی قاچاق و خرید و فروش سلاح مواد مخدر و روانگردان،

چ- رشا و ارتشا، اختلاس، تصرف غیر مجاز در وجوه، دولتی پولشویی اختفای اموال ناشی از جرم مزبور،

ح- جاسوسی و افشای اسرار علم او علی‌البناء و مطالعات فرستی خ) تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ، کشتار و درگیری،

د- اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات داده‌ها یا رایانه ضروری عمومی یا حاکمیتی،

ذ- کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده و غیر آن.

ایراد اصلی ماده (۲) قانون جرم سیاسی این است که با وجود تعیین ضوابط و شرایط در ماده (۱) و انتخاب روش احصاء در ماده (۲)،

نیازی به درج این ماده نبوده است. زیرا با وجود این ماده، جرائم تصریح شده در آن نیز به‌طور خودکار مشمول جرم سیاسی نمی‌شوند. در صورتی

که روش احصاء به‌طور کلی حذف می‌شد و تنها معیارها و ضوابط برای شناسایی جرائم سیاسی ارائه می‌شد، ذکر استثنائات می‌توانست مفید و مؤثر

باشد. در کنار شرایط و ضوابط ذکر شده در ماده (۱)، که نیازمند بازنگری است، برخی از موارد استثنای موجود در ماده (۲) تحت شرایط خاص

ممکن است به‌عنوان جرائم سیاسی شناخته شوند. این امر، با توجه به نیاز به بسترسازی در قوانین کیفری از جمله قانون مجازات اسلامی، ضروری به

نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال، در قوانین کیفری ایران، برای جرائم حدی شامل محاربه و افساد فی الارض، روشی توسعه‌ای اتخاذ شده است. برخی

جرائم که با تعریف و ساختار فقهی این جرائم مطابقت ندارد، به‌دلیل توجهات امنیتی، به حوزه جرائم مستوجب حد وارد شده‌اند. به این ترتیب،

برخی جرائم تعزیری که ممکن است از مصادیق جرائم سیاسی باشند، عملاً از شمول این دسته خارج شده‌اند. بنابراین، ماهیت «جرائم علیه نظام

سیاسی» با ارکان محاربه و افساد فی الارض همخوانی ندارد و نباید به‌طور مساوی با آن‌ها برخورد شود (حائری، قبولی درافشان و موسوی مشهدی

۱۳۹۱: ۵۱) و میتواند تحت شرایطی جرائم سیاسی محسوب، شوند از این حیث نیز تجدید نظر در موضوعات مرتبط قوانین جزایی میتواند اصلاحات قانون جرم سیاسی را تسهیل کند.

با دقت در مواد (۱)، (۲)، و (۳) قانون جرم سیاسی، به وضوح مشاهده می‌شود که قانونگذار در این زمینه ضابطه‌ای روشن و قابل اجرا برای تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عمومی یا غیرسیاسی ارائه نکرده است. حساسیت و احتیاط شدید مقنن در محدودسازی دامنه جرائم سیاسی و جلوگیری از تعدیل سیاست سختگیرانه در جرائم مرتبط با حاکمیت و امنیت، منجر به اتخاذ روش‌ها و شرایط متنوع برای تعیین و تشخیص جرم سیاسی شده است. این رویکرد باعث شده که با استفاده از شروط خاص، مانند «فقدان قصد ضربه زدن به اصل نظام» و احصاء محدود جرائم مشمول در ماده (۲) و استثنائات ماده (۳)، عملاً امکان ارائه و استخراج ضابطه‌ای مشخص برای تفکیک جرائم سیاسی از دیگر جرائم منتفی شود و قانون مذکور با چالش‌های جدی در تحقق اهداف اصلی خود مواجه گردد. این تفسیر و رویکرد از اصل (۱۶۸) قانون اساسی، که به دنبال تبیین و محدود کردن مفهوم جرم سیاسی با حداکثر سختگیری است، کاملاً مغایر با هدف و روح قانون اساسی است. قانون اساسی ایران بر حفظ حقوق و آزادی‌های مردم در مقابل دولت تأکید دارد، نه بر حفظ قدرت دولت در برابر مردم. بنابراین، اعمال چنین محدودیت‌های شدید و نقض حقوق اساسی در راستای حفاظت از قدرت دولتی، با فلسفه و اهداف بنیانی قانون اساسی در تضاد است و باید مورد بازنگری قرار گیرد. «مردم کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۳۳». از سوی دیگر، انتقادات موجود به سیاست کیفری و تقنینی، به‌ویژه در زمینه جرم‌انگاری گسترده و فرجه کردن دامنه جرائم علیه امنیت و حکومت، نشان می‌دهد که قانونگذار می‌توانست با تصویب قانون جرم سیاسی، فرصتی برای تعدیل این افراط سیاسی و تقویت روابط مثبت میان دولت و شهروندان به دست آورد. این اقدام می‌توانست به تقویت اعتماد عمومی نسبت به حکومت و ارتقای حقوق بنیادین و آزادی‌های سیاسی شهروندان کمک کند. در زمینه فقهی، رویکرد قانون جرم سیاسی نیز مورد نقد است. فقیهان شیعه و اهل سنت در طول تاریخ فقهی خود به دقت حوزه جرائم علیه امنیت عمومی و حقوق شهروندان را از حوزه جرائم علیه دولت و حکومت تفکیک کرده‌اند و همواره از حاکمان خواسته‌اند تا در مواجهه با مخالفان سیاسی، به الزامات و قواعد فقهی پایبند باشند. به‌طور خاص، سخنان مقام معظم رهبری در دوره دوم مجلس شورای اسلامی و در سمت ریاست جمهوری به تطابق جرم سیاسی با اصول قانون اساسی اشاره می‌کند: «ما نباید به قانون اساسی به‌صورت گزینشی نگاه کنیم. اصولی که حقوق حکومت را مطرح می‌کند باید با تمام ظرفیت و توان اجرایی شود، در حالی که حقوق مردم و آحاد جامعه نباید مغفول یا به تأخیر بیفتد. یکی از نمونه‌های بارز این نکته، اصل (۱۶۸) قانون اساسی است» (عباسی فرد، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

علت‌ها و آسیب‌های چالش در تشخیص جرائم سیاسی

علت اتخاذ سیاست مذکور در قانون جرایم سیاسی همانگونه که در مباحث ذکر شد، همسویی آن با سیاست سختگیری نظام عدالت کیفری در جرایم علیه امنیت و انطباق آن با رویکرد امنیت محور سیاست کیفری است. به عبارت دیگر، سیاست جنایی امنیت محور قانونگذار مانع از اجرای حداقل‌های در نظر گرفته شده و مشخص شده در قانون اساسی در خصوص جرایم سیاسی در قانون جرایم سیاسی شده است. زیرا «در عرصه امنیت، در تقابل آزادی و امنیت، قانونگذار دامن امنیت را گرفته و با جرم‌انگاری گسترده و خارج از قواعد وضع شده حقوق کیفری در تلاش است تا از ارزش‌های مورد نظر خود پاسداری کند» (کوشکی و علیزاده سرشت ۱۳۹۴: ۱۰۸). در حالی که امنیت‌گرایی یکی از بنیادهای ناروایی است که بر پیکره سیاست جنایی تحمیل میشود و به معنای جریان انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه است (قناد و

اکبری، ۱۳۹۶: ۴۲) و تحقق، حفظ و استمرار امنیت در صورتی است که سیاست امنیتی در مقام حمایت از اس ملت و تحت نظارت قرار دادن حکومت باشد (رضایی ۱۳۹۷: ۷۶) بنابراین هرچه سیاست کیفری بر حفظ الگوهای امنیتی اصرار ورزد در تقابل با سیاست کیفری عدالت مدارانه قرار می‌گیرد (افشین پور و نقوی ۱۳۹۷: ۱۲۷) و حراست از نظم و انضباط موجود نباید به گونه‌ای باشد که راه را به سوی نظمی متعالی‌تر و کیفیتر ببندد (نوبهار، ۱۳۹۸: ۵۹). لزوم ارائه ضوابط و تبیین مصادیق جرایم سیاسی نباید هرگونه انتقاد از برخی مدیران سازمان‌ها، سیاست‌ها، قوانین و نظرات مختلف را جرم انگاری کند. بنابراین، قانون فعلی جرایم سیاسی مغایر با اهداف و عملکرد قانون اساسی است زیرا «خلاصه رویکرد نویسندگان قانون اساسی این است که مجرم سیاسی نباید به گونه‌ای شناسایی شود که ناقض سایر اصول قانون اساسی باشد. قانون اساسی به ویژه فصل حقوق ملت» (عالی پور، ۱۳۹۵: ۳۸) از این رو عبارات مصرح در ماده (۱) و دایره شمول محدود ترسیمی ماده (۲)، عملاً انتقاد از سیاستهای دولت را به تعطیلی میکشانند. در حالیکه «اصل نقد حاکمیت سیاسی امری مطلوب و مقدس است زیرا به کارآمدی و سلامت نهاد حکومت و پیشگیری از استبداد کمک میکند نوبهار ۱۳۹۳: ۱۴۰) بر این اساس، قانون جرایم سیاسی در رویکردی مغایر با قانون اساسی، با محدود کردن حداکثر پرونده‌های جرایم سیاسی، عملاً به دلیل حساسیت مفرط نسبت به حفظ غیرانتقادی بودن دولت و همچنین حفظ عنوان و عنوان و ظاهراً به تخلف از رفتارهای مجاز و مشروع شهروندان تبدیل شده و جرم انگاری شده است. پیگیری و تعقیب انتقاد از حکومت در قالب جرم سیاسی جایز نیست، در حالی که جرم سیاسی در منظر حداقلی در محدوده جرایم علیه امنیت از یک سو و رفتارهای مجاز و مشروع شهروندان از سوی دیگر قرار دارد. گرچه از یک سو انتظار رفتار مجاز و مشروع قانونگذار شهروندی پیروی از دیدگاه حداکثری و ارتکاب جنایات علیه امنیت که با خشونت جنگ افزوری، غارت و کشتار مردم مشخص می‌شود، نبود. حتی با بررسی اغراض سیاسی در زمره جرایم سیاسی قرار گرفت، اما انتظار می‌رفت با اتخاذ رویکردی میانه بر اساس دیدگاه حداقلی، جرایم علیه نظام سیاسی بدون خشونت و با احراز معیارهای متوازن قانونی باشد. و شرایط ظن سیاسی بودن تحت عنوان جرم مورد تردید نیست. سیاسی و از رژیم اعراف آن بهره برد. آسیب‌های جایگاه فعلی قانون جرایم سیاسی در کشف جرایم سیاسی عبارتند از:

الف) اقدام مخالف با اصول تثبیت شده حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و اصل شفافیت قوانین کیفری

ب) مخالفت با رویکرد قانون اساسی در خصوص آثار حقوقی شناسایی جرم سیاسی و نیز اصول مربوط به حقوق ملت

ج) مغایرت با قواعد حقوق بشری حقوق شهروندی و ترجیح ناموجه حقوق حاکمیت بر آن، د مغایرت با قواعد اسلامی و فقهی در

رویکرد افتراقی نسبت به جرم سیاسی (بعی) و قواعد مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و حقوق متقابل مردم و حاکم

ه) تمرکز و توسعه سیاست جنایی امنیت محور و پیامدهای تداوم و تشدید آن به جای استفاده از زمینه‌های موجود برای تعدیل این

سیاست‌ها و تعارض با حقوق و آزادی‌های سیاسی فردی و تأثیر بر ارتکاب جرایم سیاسی و تروریستی، مسدودسازی راهی برای درک مفهوم واقعی

جرم سیاسی برای نظام قضایی به منظور اجرای ضوابط مربوطه. به این ترتیب قانون جرایم سیاسی مغایر با فلسفه وجودی جرایم سیاسی است و هدف

از تصویب این قانون را به قصد فرار از تبیین جرم سیاسی توسط دولت و تقویت موضع تضييع حقوق سیاسی منحرف می‌کند. جنایتکاران، در حالی

که تقاضای ایجاد قانون جرایم سیاسی موجب اعطای حقوق و آزادی‌های ملت و تقویت تساهل و تساهل سیاسی دولت در قبال شهروندان می‌شود.

بر این اساس مدارا نه تنها در روابط میان افراد جامعه ضروری است، بلکه در روابط حکومت و مردم نیز امری اجتناب ناپذیر است، زیرا مدارا نتیجه

منطقی احترام به آزادی دیگران و یک ضرورت اجتماعی است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۸۲). عدم پابندی حکومت به این اصل می‌تواند به نارضایتی عمومی و حتی افزایش جرائم سیاسی منجر شود، زیرا بیشتر بزه‌های سیاسی در اثر نبود ظرفیت کافی از سوی دولتمردان یا انتقادناپذیری آن‌ها رخ می‌دهد» (عالی پور و کارگری ۱۳۹۶: ۱۵۲) و می‌تواند در وقوع اقدامات تروریستی در کنار سایر عوامل موثر باشد. تروریست‌ها ممکن است افرادی ناراضی باشند که از برخی سیاست‌ها و نهادهای سیاسی انتقاد و اعتراض می‌کنند. ممکن است از مبارزات و مقاومت‌های عادی و قانونی علیه دولت‌ها ناامید شده و برای رسیدن به اهداف خود به آخرین راه اقدامات تروریستی متوسل شوند.

این نشان دهنده جایگاه سرگردان قانونگذار در تشخیص جرایم سیاسی است که با ساده سازی موضوع یا محو موضوع به نحوی مشکل جرم سیاسی در نظام قانونگذاری و قضایی کشور را حل نکرده و انتظارات را برآورده نکرده است. تصویب آن نتیجه این موضوع خالی شدن مفهوم جرم سیاسی از فلسفه وجودی آن است. بنابراین، کاربرد قضایی و سودمندی سیاسی-اجتماعی این قانون مستلزم اصلاحات از جنبه اجتماعی این قانون با اتخاذ روشی خاص برای شناسایی جرایم سیاسی، حذف شرایط اضافی و خودسرانه و استفاده از صریح است. و اصطلاحات و توسعه شفاف و غیر قابل تفسیر، در راستای دکترین مبانی اسلامی و رویکردهای جرم شناسی و جرم شناسی برای حل مشکل ناکارآمدی این قانون با شروع رویه قضایی و رفع شبهه نهادینه شده نظام قضایی متأثر از نظام سیاسی در راستای اجرای احکام مربوط به جرایم سیاسی و در داخل کشور. و تصویر بین المللی کشور اثر مطلوب را دارد. (پزشکی و کلانتری، ۱۴۰۱، ص ۵۵)

مترادف شدن جرم سیاسی با جرایم امنیتی

یکی از چالش‌های مهم در تعریف جرم سیاسی، اشتراکات و تضادهای معنایی و مفهومی جرم سیاسی و جرایم امنیتی است که ارتباط مستقیمی با تحولات اجتماعی و تاریخی کشور دارد. جرم سیاسی همواره مترادف با جرم امنیتی تلقی شده است. مجرم سیاسی مدعی اندیشه یا تفکری است که به نفع همه باشد، انگیزه او شخصی نیست، بلکه منفعت است و این انگیزه وجه تمایز جرایم سیاسی و عمومی است. اما این معیار به سختی جرم سیاسی را از جرم امنیتی جدا می‌کند و بنابراین تعیین حدود اعمالی که قرار است به عنوان جرایم سیاسی شناخته شوند را با چالش مواجه می‌کند. (خادمی و رشیدی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲)

چالش جرم سیاسی در فقه

نتیجه تعاریف فقها در جنایت باقی این است که باقی، با شرایطی مانند خروج، تعویل، کنارت و شوکت، مسلمان یاغی و حکومت اسلامی بودن، جنایت علیه نظام سیاسی حاکم است. وی تصریح کرد: از سوی دیگر خروج معنای قیام مسلحانه علیه حاکم اسلامی با تجمع در منطقه‌ای و خارج کردن آن از کنترل و تفسیر او نیز به معنای برداشت نادرست از دین است که قیام را به معنای قیام می‌داند. وظیفه یاغی، همچنین در مورد رابطه جرم طغیان با جرم سیاسی عده‌ای معتقد به رابطه تساوی و برخی دیگر با توجه به محوریت انگیزه شرافتمندانه و اصلاحی در جرم سیاسی و برخی دیگر به رابطه تبیین معتقدند. شرط تفسیر در جرم جرم و همچنین برخورد دوستانه با مجرمین سیاسی و جنایی، رابطه عمومی و خصوصی مطلق و جرم را یکی از مصادیق جرم سیاسی می‌دانند. اما به طور کلی، اصطلاح جرم سیاسی در فقه کیفری اسلام به کار نمی‌رود، اما به عقیده برخی از حقوقدانان و حقوقدانان، با توجه به جرم طغیان در فقه کیفری اسلام، از ابتدا به تمایز بین جرایم سیاسی و عادی توجه شده است (عظیم زاده، ۱۳۹۴). حال باید دید با افرادی که در جامعه اسلامی مرتکب جنایات سیاسی می‌شوند چگونه برخورد می‌شود. الف) شورشیان بدون تشکیلات که قیام مسلحانه انجام نداده اند: یعنی افرادی که مرتکب جرم قیام شده اند ولی علیه حکومت اسلامی قیام نکرده اند، در این صورت حاکم جامعه

اسلامی موظف به هدایت است. و در ابتدای کار آن‌ها را راهنمایی کند و شبهات را برطرف کند، ولی حاکم نباید البته اگر خطری برای جامعه اسلامی و امت اسلامی نداشته باشد، اما اگر این شورشیان برای جامعه اسلامی خطری داشته باشند، دولت و امت اسلامی باید تحت تعقیب قرار گیرند و به مجازات حبس برسند. خلق و خوی آن‌ها را نیز شامل شود. یاغیانی که دست به قیام مسلحانه زده اند که در فقه امامیه به دو دسته تقسیم می‌شود.

تعریف ناپذیری جرم سیاسی و انکار آن

اگرچه مفهوم جرم سیاسی در سنت حقوقی رومانو ژرمن پدیدار شده است، اما هیچ تعریف مورد توافقی در مورد آن وجود ندارد و هیچ یک از اصطلاحات رایج ذیل تقسیماتی که هدف آن تعریف و طبقه بندی این اصطلاح در حقوق رومانو ژرمنی است، محتوای ثابتی ندارد. همانطور که می‌توان گفت نوعی آشفتگی و آشفتگی اصطلاح شناختی (اصطلاحات) در این مقوله به چشم می‌خورد (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۳۸۵). برخی از حقوقدانان سکوت یا ابهام قوانین کشورهای غربی در مورد جرم سیاسی را نتیجه این خلط و خلط در عرصه نظریه پردازی و تبیین مفهوم مذکور می‌دانند؛ به طوری که نظام‌های حقوقی اروپایی مانند فرانسه و بلژیک با تصویب تعریف جرم سیاسی به تشخیص منفی برخی از مصادیق جرم سیاسی که در مقررات کیفری جرم انگاری شده اند قانع شده اند. به عقیده این کارشناسان، همین رویه حقوقی از حقوق روم آلمانی به نظام حقوقی بین المللی سرایت کرده است؛ همانطور که در معاهدات بین المللی مربوط به استرداد مجرمان که مهمترین اسناد و متون بین المللی مربوط به مجرمان سیاسی است، هیچ اشاره‌ای به تعریف جرم سیاسی نشده است (میرمحمدصادقی ۱۳۸۷: ۶۷) و اساساً هیچ وحدت و اجماعی درباره مفهوم جرم سیاسی در جامعه بین‌المللی دیده نمی‌شود و حداکثر اتحاد نظری که در روابط بین المللی درباره جرم سیاسی میان دولت‌ها میتوان دید وحدت نظر در خصوص تعاریف سلبی از این واژه است (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۳۸۴) و حقوق بین الملل متأثر از آشفتگی نظری میان حقوقدانان و به تبع آن ابهام و ناروشنی قوانین موضوعه کشورهای غربی تعریفی مشخص از جرم سیاسی ارائه نمیدهد حقوق دانان همچنین بر آناند در عرصه بین المللی فقدان وفاق میان دولت‌ها بر سر مفهوم جرم سیاسی را باید به فقدان اراده دولت‌ها در نپرداختن به جرم سیاسی در قوانین داخلی اضافه کرد زیرا ممکن است آنچه در یک کشور جرم سیاسی تلقی میشود در کشوری دیگر جرم نباشد و حتی برعکس اقدامی ستوده و پسندیده به شمار آید (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۸۵)؛ ضمن آنکه باید توجه کرد تلاش‌های بین المللی انجام شده در این زمینه همچون توصیه کنفرانس مؤسسه حقوق بین الملل برپاشده در آکسفورد، به سال ۱۸۸۰، میلادی مبنی بر سیاسی دانستن اعمال مجرمانه ارتكابی در اثنای ناآرامی‌ها و جنگ‌های داخلی و نیز اشاره ناقص و اجمالی به مفهوم جرم سیاسی در کنفرانس بین المللی حقوق جزا در کپنهاگ دانمارک به سال ۱۹۳۵ دایر بر سیاسی دانستن جرایمی که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت ارتكاب میشود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۶۸)، را نباید و نمیتوان تعریف جرم سیاسی در حقوق بین المللی به شمار آورد. انکار پدیده یا مفهومی به نام «جرم» «سیاسی» از سوی طایفه‌ای از حقوق دانان نتیجه تشکیک در عنصر معنوی جرم سیاسی است. زیرا اساساً وصف سیاسی یک فعل یا ترک فعل مجرمانه تابعی از آهنگ و انگیزه مرتکب به شمار می‌آید و چون انگیزه اعمال مجرمانه سنجه و میزانی دقیق و قابل اعتماد برای تعریف و توصیف جرم نیست، تطبیق افعال و تروک خلاف قانون بر رکن مادی جرم سیاسی با نارسایی و نقصانی غیر قابل اغماض مواجه می‌شود. به علاوه، وصف «سیاسی» به مثابه متعلق «جرم» دلالت بر موضوع «همچون جرایم علیه اشخاص یا «رفتار» همچون جعل و تزویر و کلاهبرداری نمیکند تا بتوان تعریفی ولو ناقص اما قابل اجرا برای آن تمهید کرد؛ وصف یاد شده تعریف واژه مورد نظر را بر پایه «حوضه» می‌طلبد و از این

حیث جرایم سیاسی در حوضهٔ سیاست همانند جرایم مالی و اقتصادی (در حوضه اقتصاد است که در عناوین مجرمانه نظیر کلاهبرداری و جعل سکه و مانند آن، تبلور می‌یابد. ازین رو یافتن افعال و تروک ناقض، قانون که قابل تطبیق با مفهوم جرم سیاسی باشد، به دلیل گستردگی و پوشیدگی و پیچیدگی پدیده‌های واقع در حوضهٔ سیاست، به مراتب اندیشه سوزتر و دشوارتر به نظر می‌رسد؛ به ویژه آنکه «سیاست»، که تعریف آن شرط لازم و مقدم بر تعریف جرم سیاسی است تعریفی روشن و پذیرفته شده ندارد.

نتیجه گیری

شناسایی و تشخیص جرایم سیاسی از جرایم غیرسیاسی مستلزم اجرای قواعد دوستی و دادرسی افتراقی در قبال مجرمان سیاسی است و بسیار مهم است، بنابراین ارائه روش یا معیارهایی برای این تشخیص ضروری است. به طور کلی دو روش در این زمینه وجود دارد: آمار و قاعده تصویب قانون جرایم سیاسی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ نوید اجرای مقررات انجمن مجرمان سیاسی را برای اولین بار در کشور علیرغم اصل (۱۶۸) قانون اساسی می‌دهد. در این مقاله، جایگاه این قانون در خصوص کشف جرایم سیاسی مورد بررسی قرار گرفت، با توجه به سه ماده اول قانون جرایم سیاسی، چنین استنباط می‌شود که قانونگذار برای کشف و احراز صحت جرایم سیاسی در ظاهر، از یک قانون استفاده کرده است. تلفیقی از قواعد ذهنی و عینی به دلیل استفاده از عبارات «به منظور اصلاح امور کشور و علیه دستگاه‌های مدیریتی و سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور است، اما با تصریح دقیق جرایم مندرج در ماده (۲) که بیانگر روش آماری در کشف جرایم سیاسی است، بدیهی است که قانونگذار در این زمینه نگران است زیرا ارائه روش قاعده علاوه بر بیان استثنائات لازم، لزوم ارائه روش آماری را منتفی می‌کند. روشی مستقل برای کشف جرایم سیاسی همچنین شرایط ایجابی و سلبی تحمیلی به روشهای تشخیص جرم سیاسی در ماده (۱) با عبارات تفسیر پذیر مانند عدم قصد ضربه زدن به اصل «نظام بر ابهام و تشویش موضع قانونگذار افزوده و نشان می‌دهد قانونگذار از ارائه روش و معیاری مشخص برای تشخیص مصادیق جرائم سیاسی که رسالت اصلی مورد انتظار از تصویب قانون مذکور است عاجز مانده است. این رویکرد از سیاست جنایی سختگیرانه و امنیتی قانونگذار در خصوص جرایم علیه نظام سیاسی و جرایم علیه امنیت و التزام به سنت معادل سازی این دو گروه از جرایم نشأت می‌گیرد که آسیب‌های آن بیان شد. بیان شد. قانونگذار در ماده (۲) با برشمردن چند جرایم صغیر و عمدتاً غیرسیاسی و در واقع با محدود کردن مصادیق جرایم سیاسی و تقلیل مفهوم جرایم سیاسی در نظام کیفری کشور، دامنه جرایم سیاسی را در نظام کیفری کشور ترسیم کرده است. جرم سیاسی در محدوده اعمال مباح و رفتارهای مشروع به شهروندی تبدیل شد و به عبارتی با «برچسب مجرمانه» و جرم انگاری انتقاد از حکومت، جایگزین مصادیق واقعی جرم سیاسی خلاف موازین قانونی و شرعی شده است.

در بسیاری از جوامع دموکراتیک، اساساً تعریف جامعی برای جرم سیاسی ارائه نشده است. زیرا در نظام قضایی آنان آنچه می‌تواند تعیین کننده باشد، شناخت نوع جرم است نه تعریف آن، این امر زمینه را برای نقد آزادانه کارکردهای حکومت در جامعه فراهم می‌کند. بنابراین باید قاطعانه گفت که «جرم سیاسی» اساساً فاقد تعریف کلاسیک و مدون است. و همانطور که گفته شد فقط می‌توان ادعا کرد که به جای تعریف جرم سیاسی، جرم سیاسی شناخته شود که آن هم شرایط و ضوابط و مقررات خاص خود را دارد که به اختصار اشاره شد. به هر حال، تعریف و تشخیص جرم سیاسی باید در چارچوب شرایط و ضوابط نظام حاکم بر جامعه مورد بررسی قرار گیرد. در کشورهایی مانند کشور ما که این نوع جرم به رسمیت شناخته شده است، قانونگذار می‌تواند مصادیق جرم سیاسی را تعیین کرده و الزامات و مقررات مربوط به آن را مشخص کند. در نبود ضابطه

مشخص، تعیین آیین دادرسی ویژه برای جرائم سیاسی دشوار خواهد بود. به طور کلی، جرم سیاسی به طور جامع و مانع قابل تعریف نیست، چرا که دامنه مفهومی آن بسیار گسترده است. بنابراین، ابتدا باید محدوده سیاست را مشخص کرده و سپس جرائم سیاسی را در این حوزه تعیین کرد. بهتر است جرایم سیاسی به طور مصداقی مشخص شوند. همچنین، لازم به ذکر است که نظام‌های حقوق بشر و نظام‌های دموکراتیک به طور کلی به موضوع جرم سیاسی پرداخته‌اند و اصولاً انتقاد از مقامات و عملکردهای حکومتی را به عنوان جرم نمی‌شناسند. در همین راستا بایستی با فعال کردن ظرفیتهای فصل سوم قانون اساسی که مربوط به تأمین حقوق و آزادیهای سیاسی شهروندان است به حل معمای جرم سیاسی پرداخت. با بررسی دقیق جرایم سیاسی و نیم‌نگاهی به گذشته و حال می‌توان دریافت که برخورد با مجرمان سیاسی همواره ضوابط و مقررات خاص خود را دارد و نمی‌توان این مجرمان را با عاملان جرایم عادی یکی دانست. تا دو قرن اخیر برخورد شدید و تند با این دسته از مجرمان انجام می‌شد، اما بعدها و در دو قرن اخیر یعنی ۲۰ و ۲۱ میلادی، تحول بزرگی در نحوه برخورد و نظام فکری و فکری با آن‌ها به وجود آمد. جامعه و سپس نظام، مجازات حاکم بر اکثر جوامع را برای مجرمان سیاسی اعمال کردند. این جرم از جمله جرایمی است که به طور دقیق تعریف نشده و نمی‌توان قاعده دقیقی برای شناخت جرم سیاسی به دست آورد. یکی از موضوعات قانون اساسی که قانونگذار عادی به آن عمل نکرده است، موضوع اصل ۱۶۸ جرم سیاسی است. از جمله مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، تعریف جرم سیاسی است. به همین دلیل اکثر قانونگذاران کیفری وارد حوزه تعریف جرم سیاسی نشده‌اند و ترجیح می‌دهند نسبت به آن سکوت کنند، اما با تصویب قانون مصوب ۱۳۹۴، قانونگذار با تعریفی مدون و آماری خط بطلان را ترسیم کرده و با تعریف و ذکر مصوبه‌ای که مختص رسیدگی به این جرایم می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه فقه اسلامی که در راس قوانین ایران قرار دارد، فتنه را جرم سیاسی می‌داند و جرم سیاسی یا فتنه در شرع اسلام مورد توجه قانونی قرار گرفته است و شاید دلیل آن این باشد که در در نظام جمهوری اسلامی هیچ اشاره‌ای به قوانین نشده است. بدین منظور برخی از حقوق دانان اسلامی «بغی» را معادل سخن نادرستی است؛ زیرا جرایمی وجود دارد که هرگز از مصادیق بغی محسوب نمی‌شود.

فهرست منابع

- اردبیلی، م. (۱۳۸۰). مفهوم جرم سیاسی در غرب. در ح. مهرپور (ویراستار)، مجموعه مباحث همایش‌های هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی (ج ۵). تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- افشین پور، م.، و نقوی، م. (۱۳۹۷). سیاست کیفری امنیت مدار ایران در تعدیل مجازات‌ها. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۳۶.
- ایمانی، س. (۱۳۹۵). تفاوت جرم سیاسی و امنیتی از منظر قانون ۱۳۹۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شمال، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- آقابابایی، ح. (۱۳۸۴). گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت. نشریه حقوق اسلامی، ۵.
- باقری، س. (۱۳۹۶). نقد و بررسی حقوقی و قانونی جرم سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پاک‌نهاد، ا. (۱۳۹۲). احساس ناامنی و ترس از جرم. آموزه‌های حقوق کیفری، ۵.
- پزشکی، ع. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی قانون جرم سیاسی و راهکارهایی در جهت اصلاح آن. پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پزشکی، ع.، و کلاتری، ک. (۱۴۰۱). چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها. مجلس و راهبرد، ۲۹(۱۱۲).
- پوربافرانی، ح. (۱۳۹۲). بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران. مجلس و راهبرد، ۲۰(۷۵).

- پیرعلی، م. (۱۳۹۸). جرائم سیاسی از دیدگاه فقهی-حقوقی با نگاهی به قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ (با تأکید بر جرم بغی). پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۴(۵۴)، ۹۳-۱۱۲.
- پیمانی، ض. (۱۳۷۵). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی (چاپ دوم). تهران: میزان.
- پیوندی، غ. (۱۳۷۹). تعریف، اقسام و استثنائات جرم سیاسی. نامه مفید، ۲۲.
- پیوندی، غ. (۱۳۷۹). تعریف، اقسام و استثنائات جرم سیاسی. نامه مفید، ۶(۲۲)، ۷۱-۹۲.
- پیوندی، غ. (۱۳۸۸). جرم سیاسی (چاپ دوم). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ترابی، ا. (۱۳۷۸). بغی. دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- ترکاشوند، م.، حیدری، ع.، و قیوم زاده، م. (۱۴۰۰). جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲(۴)، ۲۵-۵۱.
- توسلی نائینی، م.، و قاسمی، آ. (۱۳۹۶). جرم سیاسی منفی: درآمدی بر نگرشی نو به معنای جرم سیاسی. حقوق کیفری، ۶(۲۰).
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۷۰). ترمینولوژی حقوق (چاپ پنجم). تهران: گنج دانش.
- جعفری، م. ت. (۱۴۱۹). رسائل فقهی. تهران: مؤسسه منشورات حکمت.
- حاجیان، م.، و همکاران. (۱۳۹۷). آئین دادرسی افتراقی جرائم سیاسی در نظام حقوقی ایران. علم و وکالت، ۱(۲).
- حائری، م. ح.، قبولی درافشان، س. م.، و موسوی مشهدی، س. ق. (۱۳۹۱). نگرشی نو در رابطه جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۳.
- حبیب‌زاده، م. ج.، دانش‌ناری، ح.، و هزبر الساداتی، ه. (۱۳۹۲). قانون‌مداری ماهوی در گفتمان تقنینی قضایی جمهوری اسلامی ایران. در ع. ح. نجفی ابرندآبادی (ویراستار)، تازه‌های علوم جنایی (کتاب دوم). تهران: میزان.
- حبیب‌زاده، م. ج.، و موسوی معراج، س. د. (۱۳۸۵). تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران. فقه و حقوق اسلامی. خادم پیر، ش. (۱۳۹۷). بررسی مبانی فقهی حقوقی قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و خلأهای قانونی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه میبد، دانشکده الهیات.
- خسروی، ک.، و اصغری، ع. (۱۳۹۶). قانون جرم سیاسی در سنجه اصل ۱۶۸ قانون اساسی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳.
- خسروی، ک.، و اصغری، ع. (۱۳۹۶). قانون جرم سیاسی در سنجه اصل ۱۶۸ قانون اساسی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳، ۱۹۳-۲۲۳.
- رادفر، س. ر. (۱۳۸۹). جرم سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- رحمانی، ق. (۱۳۹۵). تعریف جرم سیاسی، الزام غیر مصلحت‌گرایانه قانون اساسی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۴).
- رحمانی، ق. (۱۳۹۵). تعریف جرم سیاسی، الزام غیر مصلحت‌گرایانه قانون اساسی. مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۴)، ۹۲۹-۹۵۵.
- رحمانی، ق. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی تحول مفهوم جرم سیاسی در حقوق ایران و غرب. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۸۲.
- رحمانی، م. (۱۳۹۴). مبانی سیاست جنایی تراز جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجد.
- رحیمی نژاد، ا.، و صفرخانی، م. (۱۳۹۳). بررسی جرم بغی در فقه و حقوق امامیه. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۱(۴۰)، ۴.
- رستمی، ح. (۱۳۹۶). بررسی جرم سیاسی از نگاه حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران و فقه امامیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی، دانشکده علوم انسانی.
- رشیدی، ا.، و خادمی، ا. (۱۳۹۵). جرم سیاسی و چالش‌های فرا روی تعریف آن در ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۳۲.

- رشیدی، ا.، و خادمی، ا. (۱۳۹۵). جرم سیاسی و چالش‌های فرا روی تعریف آن در ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۸(۳۲).
- رضایی، م. (۱۳۹۷). امنیت ملی، حقوق بشر، مشروعیت سیاسی در دموکراسی‌های شکننده. تهران: خرسندی.
- زراعت، ع. (۱۳۷۷). جرم سیاسی. تهران: انتشارات ققنوس.
- زراعت، ع. (۱۳۹۷). جرم سیاسی. تهران: انتشارات ققنوس.
- زینلی، م. (۱۳۷۸). جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- زینلی، م. (۱۳۹۸). جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی (مطالعه تطبیقی). تهران: امیرکبیر.
- شامیاتی، ه. (۱۳۹۱). حقوق جزای عمومی. تهران: پازنگ.
- صادقی، م. ه.، فروغی، ف.، و جودکی، ب. (۱۳۹۸). قاعده منع استرداد مجرمان سیاسی در پرتو اجرای قانون جرم سیاسی. مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۱۱(۴)، ۲۵۷-۲۹۱.
- صانعی، پ. (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی (جلد ۱، چاپ سوم). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبایی، م. (۱۳۹۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر (چاپ پنجم). تهران: دانشگاه تهران.
- طوسی، م. بن ح. (۱۴۰۰). النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی. بیروت: دار الکتب العربی.
- عالی‌پور، ح. (۱۳۹۵). جرم سیاسی و بایسته‌های قانون اساسی. دیده‌بان امنیت ملی، ۴۸ و ۴۹.
- عالی‌پور، ح.، و نوروز کارگری. (۱۳۸۹). جرایم ضد امنیت ملی. تهران: انتشارات خرسندی.
- عالی‌پور، ح.، و نوروز کارگری. (۱۳۹۶). جرائم ضد امنیت ملی (چاپ دوم). تهران: خرسندی.
- عباسی فرد، م. ر. (۱۳۹۱). جرم سیاسی در فقه اسلامی؛ واکاوی اصل ۱۶۸ قانون اساسی. مجله راهبرد، ۶۵.
- عظیم زاده اردبیلی، ف. (۱۳۹۴). معناشناسی بغی و براندازی در قرآن کریم و نظام حقوقی اسلام. دو فصلنامه مطالعات روش‌شناسی دینی، ۲(۲)، ۴۹-۶۵.
- ۶۵
- فعلی، م. (۱۳۹۷). تحولات جرم سیاسی در حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دامغان، دانشکده علوم انسانی.
- قاری سیدفاطمی، س. م. (۱۳۸۷). مفهوم جرم سیاسی در حقوق بشر بین‌الملل و فقه امامیه. در ح. مهرپور (ویراستار)، مجموعه مباحث همایش‌های هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی (ج ۵). تهران: مؤسسه اطلاعات.
- قدرتی سیاهمزیگی، ط. (۱۳۸۹). درآمدی بر مسئله بغی و باغی در فقه شیعه. فصلنامه پژوهش‌های فقه حقوق اسلامی، ۲۲، ۱۲۵-۱۴۲.
- قناد، ف.، و اکبری، م. (۱۳۹۶). امنیت‌گرایی سیاست جنایی. پژوهش‌های حقوق کیفری، ۵(۱۸).
- کاتوزیان، ا. ن. (۱۳۸۳). اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۶.
- کریمی، د.، و کرامتی معز، ه. (۱۳۹۵). قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۷).
- کلاترتی، ک.، و پارسا، پ. (۱۳۹۵). نگرشی نو به قانون جرم سیاسی. فصلنامه اندیشمندان حقوق، ۴(۱۰).
- کوشکی، غ.، و علیزاده سرشت، ن. (۱۳۹۴). نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۴).
- گلدوزیان، ا. (۱۳۹۴). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
- لری نژاد، م.، و منصوریان، م. (۱۴۰۱). پویایی در تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی؛ تحلیل پرونده‌های جرم سیاسی در ایران. تمدن حقوقی، ۵(۱۳).

- محبی، ج. (۱۳۸۹). بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. حقوق اسلامی، ۱۱(۳۱).
- محبی، ج. (۱۳۸۹). بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۳۱.
- محسنی، م. (۱۳۹۵). دوره حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- محمدپور اکبرآباد، ا. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی جرم سیاسی در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- محمدنژاد، ح.، و تاجیک، ر. (۱۳۹۷). علل جرم‌انگاری حداکثری و بایدهای تحول ساختاری آن در ایران. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۳۸.
- محمدی جورکویه، ع. (۱۳۸۳). مطالعه تطبیقی جرم سیاسی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- مدنی، س. ج. (۱۳۷۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران (چاپ دوم). تهران: نشر همراه.
- منصورآبادی، ع. (۱۳۹۵). حقوق کیفری عمومی ۱. تهران: میزان.
- منصوری، ز. (۱۳۹۵). مبانی جرم‌انگاری در جرائم سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- موذن، ف. (۱۳۸۰). جرم سیاسی در حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- موسوی خمینی، س. ر. (۱۳۷۸). تحریر الوسیله. قم: انتشارات دارالعلم.
- موسوی خویی، س. ا. (۱۴۲۲). مبانی تکمله المنهاج. قم: انتشارات احیاء آثار امام خویی.
- میرمحمدصادقی، ح. (۱۳۸۷). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (چ ۵۵). تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، ح.، و رحمتی، ع. (۱۳۹۴). مصادیق عدول از اصول حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت. راهبرد، ۷۶.
- میرمحمدصادقی، ح.، و رشید قدیری بهرام‌آبادی، ر. (۱۳۹۴). نقش و جایگاه سیاست کیفری حاکم بر جرائم تروریستی. پژوهش حقوق کیفری، ۱۳.
- نجفی توانا، ع. (۱۳۹۲). جرم شرافتمندانه. ماهنامه مهرنامه، ۳۲.
- نوبهار، ر. (۱۳۹۳). جرم سیاسی و تقسیم‌بندی حد - تعزیر. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۳.
- نوبهار، ر. (۱۳۹۸). از حفظ حکومت تا حفظ نظام. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۱(۶).
- الهام، غ.، بحیرایی، ا.، و فرج پور اصل مرنندی، ع. ا. (۱۳۹۷). گستره حق قیام و نسبت آن با بزه بغی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، ۸۱.